

تحلیل ساختار معنایی توبه نصوح در صحیفه سجّادیّه با محوریت آیه
هشتم سوره تحریم - منصوره شاهسون
علمی - ترویجی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال هفدهم، شماره ۶۸ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۴۳-۱۵۳

تحلیل ساختار معنایی توبه نصوح در صحیفه سجّادیّه با محوریت آیه هشتم سوره تحریم

منصوره شاهسون*

چکیده: «توبه نصوح» از مهمترین عوامل تغییر حالت معنوی انسان و حیات دوباره او است؛ در این مقاله با عرضه کلام امام سجّاد ۷ بر آیات قرآن به تحلیل مناسبی از ساختار معنایی توبه نصوح در صحیفه سجّادیّه می‌رسیم. در این گفتار، معنای توبه، فرآیند توبه، عوامل و موانع توبه، خوف و رجاء و مطالب دیگر در مورد توبه بررسی می‌شود.
کلیدواژه‌ها: توبه نصوح؛ ساختار معنایی؛ سوره تحریم؛ صحیفه سجّادیّه؛ عوامل توبه؛ موانع توبه؛ خوف و رجاء.

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم shahsavan_mansoureh@yahoo.com

انس توأم با اندیشه، نسبت به ادعیه حیات بخش صحیفه سجّادیه، که آن را «قرآن صاعد» می‌خوانند، سبب معرفت بیشتر نسبت به قرآن مبین می‌شود؛ زیرا این صحیفه کریمه از مخاطبان حقیقی وحی، یعنی اهل بیت نبوت: صادر شده است. در واقع نیایش‌های امام سجّاد^۷ به منزله شرح و تفسیر ملکوتی قرآن، و ترجمانی دیگر گونه از آیات کریمه الهی است؛ از جمله در تبیین معنای توبه که محور اصلی این مقاله است.

خداوند در قرآن کریم بارها انسان را به توبه فرا خوانده و از جوانب آن سخن گفته است. در این میان، توبه نصوص، که در آیه هشتم سوره تحریم بیان شده، بارها در صحیفه سجّادیه مطرح شده است. اینک پرسش‌های این مقاله به شرح زیر است: محتوای اصلی این آیه درباره چیست؟ ارتباط لفظی و محتوایی این آیه با کلام امام سجّاد^۷ چگونه است؟ ساختار معنایی توبه نصوص چیست؟ نقش خوف و رجاء در این میان چیست؟ با مراجعه به تفاسیر قرآن، کتب حدیثی شیعه و شروح صحیفه سجّادیه می‌کوشیم پاسخی مناسب به این سوالات پیدا کنیم. بنابراین سیر مطالب این جستار را بدین شکل دنبال خواهیم کرد.

۱. ساختار معنایی توبه:

۱-۱. مفهوم توبه:

آیه هشتم سوره تحریم پر بسامدترین آیه از آیات قرآن کریم است که امام سجّاد^۷ آن را بطور صریح در بخش‌هایی از سخنان خود به کار برده است. این آیه در باره «توبه نصوص» سخن می‌گوید که بواسطه آن خداوند بدی‌های انسان گنه‌کار را پوشانده و بنده خود را لایق نعمت‌های دنیوی و اخروی می‌کند. (التحریم، ۸)

از تطبیق و ارائه کلام امام سجّاد^۷ با این آیه درمی‌یابیم که توبه از منظر امام

سجّاد^۷ عبارت از پشیمانی قلبی و درونی از گناه و پوزش خواهی از خداوند متعال است. «اللَّهُمَّ فَكَ الْحَمْدُ إِفْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ، وَ اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ، وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ، وَ مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ.» (امام سجّاد، دعای ۴۵) این عبارات، مؤید سخنی است که امام^۷ می فرماید: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ الْعَمَلُ وَ الرَّجُوعُ عَنِ الْأَمْرِ وَ لَيْسَتْ التَّوْبَةُ بِالْكَلامِ.» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۰۱)

توبه در صحیفه به معانی مختلف به کار می رود، از جمله:

۱. انابه: «وَ يَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَ يَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ...» (امام سجّاد، دعای ۱۲)

۲. ندامت و پشیمانی از گناه، در حالی که انابه را به معنای ترک گناه و بازگشت به سوی خدا به کار می برد و استغفار، یعنی طلب مغفرت و آمرزش را به عنوان مرحله پس از این دو معرفی می کند: «اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَ إِنْ يَكُنِ التَّزُّكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُتَنَبِّينِ، وَ إِنْ يَكُنِ الْإِسْتِعْفَاؤُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ.» (امام سجّاد، دعای ۳۱)

۳. راهی به سوی عفو الهی: «أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِمَنَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتُ - تَبَارَكَ اسْمُكَ - «ثُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (امام سجّاد، دعای ۴۵)

پیامبر اکرم^۶ در این باره می فرماید: «خداوندی که توبه پذیر و مهربان است؛ مرا به راستی بشیر و نذیر مبعوث کرده؛ برای خدا بابی است در آسمان دنیا که باب الرحمة، باب التوبة، باب الحاجات، باب التفضل، باب الاحسان، باب الجود، باب الكرام و باب العفوش نامند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴)

۴. راهی برای محو بدیها: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا... تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةِ فِيمَا بَقِيَ.» (امام سجّاد، دعای ۳۱)

امام باقر^۷ این باره می‌فرماید: «وَاللّٰهُ مَا يَنْجُو مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا مَنْ أَقَرَّ بِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۲۶) امام رضا^۷ نیز در باب توبه حقیقی می‌فرماید: «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بِلسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ». (ورام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۰) نیز می‌فرماید: «الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۱۵۳؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۶۵)

۱-۲. معنای توبه نصوح

با توجه به این مطالب، توبه‌ای که در آن بازگشتی دوباره به گناه نباشد، همان "توبه نصوح" است. امام صادق^۷ در این زمینه می‌فرماید: «يَتُوبُ الْعَبْدُ مِنَ الذَّنْبِ ثُمَّ لَا يَعُودُ فِيهِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۳۲) در کتاب العین آمده: «التَّوْبَةُ النَّصُوحُ: أَنْ لَا يَعُودَ إِلَى مَا تَابَ عَنْهُ». (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۱۹) در کلامی دیگر چنین آمده: «النَّصَاحَةُ وَ هِيَ الْخِيَاطَةُ بِمَعْنَى أَنَّهَا تَنْصَحُ مَنْ الدِّينَ مَا مَرَّقَتْهُ الذُّنُوبُ أَوْ تَجْمَعُ بَيْنَ صَاحِبِهَا وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِهِ اللَّهِ وَ أَحْبَائِهِ كَمَا يَجْمَعُ الْخِيَاطُ بَيْنَ قِطْعِ الثَّوبِ». (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۳۱) نیز نوشته‌اند: نصوح از "نصاحه الثوب" آمده است به معنای پاره‌دوزی لباس؛ گویی توبه پارگی‌هایی را که

در دین به واسطه گناه پدید می‌آید می‌دوزد. (فهری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۱۲)

۱-۳. جوانب و آثار توبه نصوح

برخی از روایات، جوانب و آثار توبه نصوح را بر می‌شمرند. از جمله:

۱. امام هادی^۷: «أَنَّ يَكُونَ الْبَاطِنُ كَالظَّاهِرِ وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۷۴)
۲. امام صادق^۷: «إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَصُوحًا، أَحَبَّهُ اللَّهُ، فَسَتَرَ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَ كَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يُنْسِي مَلَكِيَّهُ مَا كَانَا يَكْتُبَانِ عَلَيْهِ، وَ يُوحِي اللَّهُ إِلَى جَوَارِحِهِ وَ إِلَى بَقَاعِ الْأَرْضِ: أَنْ أَكْتُمِيَ عَلَيْهِ ذُنُوبُهُ، فَيُلْفَى اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۳۴)

۳. امام سجّاد^۷: «فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ!» (امام سجّاد، دعای ۴۵)

۲. فرآیند توبه:

انسان با عصیان، از حدّ بندگی خدای تعالی خارج می‌شود، یعنی تخلف از مقتضای فطرت و حقیقت انسانی را می‌پذیرد. در چنین حالتی است که امام سجّاد ۷ به درگاه خداوند عرض می‌کند: «فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِفْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءٍ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِنِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحٍ مَا ارْتَكَبْتُ؟ أَمْ أَوْجِبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُحْطَكَ؟ أَمْ لَزِمَنِي فِي وَفْتِ دُعَايَ مُفْتَلِكُ.» (امام سجّاد، دعای ۱۲)

در این حال، شیطان انسان را به «تسویف» فرا می‌خواند. امام صادق ۷ در باره تسویف می‌فرماید: «تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اعْتِرَازٌ، وَ طُولُ التَّسْوِيفِ خَيْرَةٌ، وَ الْإِعْتِلَالُ عَلَى اللَّهِ هَلَكَةٌ، وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمْنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ.» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۰۵) این در حالی است که احساس امان از مکر خدا، نشانه خسران است. در قرآن می‌فرماید: «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (الاعراف، ۹۹).

بنابراین انسان باید بدون فوت وقت، زمینه‌های پیدایش توبه و هم‌چنین موانع توبه را بشناسد. از جمله این عوامل، چنین است:

۱. علم و معرفت به زیان گناهان. (فیض کاشانی، ۱۳۴۲، ج ۷، ص ۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۸)
۲. تصمیم و اراده بر اینکه خود را به گناه آلوده نسازد.
۳. معرفت نسبت به این موضوع که جز خداوند متعال کسی قدرت بخشش گناهان او را ندارد. (آل‌عمران، ۱۳۵) کلام امام سجّاد ۷ رابطه دوسویه خداوند رحیم و غفار با بنده تهی‌دست و گنهکار را نشان می‌دهد: «و لَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِلَاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» (امام سجّاد، دعای ۱۲)
- آری؛ بندگان صالح خدا پیوسته این شعار را بر لب دارند که: «كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ نَسْتَعِينُ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۰)، چگونه سربلند نباشم؟ و حال آن‌که به تو منسوب و وابسته‌ام.

چرا با وجود آگاهی از پیامدهای زیان‌بار گناهان، انسان اراده و تصمیم جدی بر ترک گناه و توبه ندارد؟ در اینجا برخی از عوامل بازدارنده از توبه بیان می‌شود:

۲. القاء شبههٔ همسان‌انگاری سختی‌های دنیوی با سختی‌ها و کفرهای اخروی توسط شیطان. این شبهه ناشی از ضعف ایمان است که کفر گناه را با لذت گناه قابل مقایسه نمی‌داند. امام سجّاد ۷ به درگاه خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد: «فَمَثَلُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا، وَعَمَّصَ بَصَرُهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَحَشِّعًا، وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزِّكَ مُتَدَلِّلًا، وَ أَبْتَكَلَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا، وَاسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَ فَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَذْبَرْتَ لِدَائِهَا فَدَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ.» (امام سجّاد، دعای ۳۱)

۴. چگونگی وعدہ پذیرش توبہ و وسعت دامنہ آن

خداوند، بندگان خود را به توبه دعوت، و وعده بخشش و رحمت بی نهایت داده است. «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (الزمر، ۵۳) نیز به انسان نوید می دهد: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَغْفِرُ عَنْ السَّيِّئَاتِ ...» (الشوری، ۲۵)

امام سجّاد^۷ در کلام خود با اشاره به چنین وعده ای می فرماید: «وَايَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ اجَابَةُ الدُّعَاءِ» (امام سجّاد، دعای ۳۱) به خاطر امید به چنین بخششی، امام سجّاد^۷ با طلب عفو از درگاه خداوند می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كِبَائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلَّاتِي وَ حَوَادِثِهَا، تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَ لَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ» (همان)

امام صادق^۷ در همین مضمون می فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا إِلَّا أَجَلَ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ اسْتَعْفَرَ اللَّهَ غُفِرَ لَهُ» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۷۴)

۵. خوف و رجاء

بنده گنه کار باید در قبول یا عدم قبول توبه اش از جانب خداوند متعال، حالتی بین خوف و رجاء داشته باشد تا خود را مستعد دریافت رحمت الهی کند، چنان که خداوند متعال در قرآن می فرماید: «...وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (الأعراف، ۵۶) در واقع «خوف و رجاء» از دیگر مبانی تربیتی صحیفه سجّادیه است.

واژه خوف که در لغت به معنای نگرانی و واهمه آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۴۸) در معنایی دیگر: «حالت ناراحتی و نگران کننده ای است که در آن انتظار ضرری می رود که در حال حاضر یا آینده موجب زوال امنیت و آسایش است.» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۴۵) بر اساس شناخت فطری باید اندیشید که خداوند می تواند همه نعمت هایی را که در این دنیا به ما داده است مانند: عمر، سلامتی، دوستان،

آشنایان، اولاد، اموال و... از ما بازستانند.

متعلق این بیم و امید کیست؟ دین در تبیین متعلق واقعی بیم و امید نقش اساسی دارد. در ادیان به ویژه اسلام، مسئله «خوف از خدا» از مهم‌ترین امتیازهای افراد بایمان است. امام سجّاد^۷ در صحیفه سجّادیه بارها به مقام خائفین اشاره فرموده است. کلام امام سجّاد^۷ در باره این بیم به چند گونه است:

(الف) بیم از خدا: «مِنْكَ أَخَافُ وَ بِكَ أَسْتَغِيثُ.» (امام سجّاد، دعای ۵۲) نیز: «قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ.» (همان، دعای ۱۶)

(ب) بیم از مقام (جایگاه) خدا: «وَ أَخْفَنِي مَقَامَكَ وَ شَوْقَنِي لِقَاءَكَ» (همان، دعای ۴۷)

(پ) بیم از لقای خدا: «وَ أَشْرَفْتُ عَلَى حَوْفِ لِقَائِكَ» (همان، دعای ۲۱)

(ت) بیم از کفر الهی: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ» (همان، دعای ۴۵)

پس خوف یکی از مبانی تربیتی است که امام سجّاد^۷ آن را موجب خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال می‌داند.

اما واژه «رجاء» که در مقابل «خوف» به کار می‌رود به معنای امید و آرزو است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹) یعنی خداوند می‌تواند در آینده نیز به اعطای نعمت‌های دنیوی ادامه دهد و از نظر کمی و کیفی بر آن بیفزاید و ما را از نعمت‌های بزرگ اخروی برخوردار سازد. در صحیفه سجّادیه، آنجا که متعلق ویژگی «رجاء»، خداست، به عنوان یکی از مظاهر توحید به شمار آمده است. در کلام امام سجّاد^۷ متعلق امید به چند صورت بیان شده که بازگشت همه آنها به خداست:

(الف) امید به خدا: «وَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ» (امام سجّاد، دعای ۵۱)

(ب) امید به رحمت خدا: «إِنَّمَا أُوْبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي» (همان، دعای ۱۶)

(پ) امید به عفو الهی: «فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا بِتَجَاوُزِكَ» (همان، دعای ۴۷)

ت) امید به شفاعت پیامبر و آل او: «و لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَحْمَتُهُ إِلَّا شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ» (همان، دعای ۴۸)

ث) امید به سعادت و نیک بختی: «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (همان، دعای ۴)

نکته دیگر، نقش تعادلی خوف و رجاء در زندگی انسان است که اگر نباشد، انسان قادر به زندگی نیست. غلبه خوف بر امید انسان را به ناامیدی می‌کشانند و غلبه امیدواری بر خوف انسان را به غرور و غفلت می‌کشانند. امام سجّاد^۷ در باره تعادل میان این دو ویژگی می‌فرماید: «وَ أَخَفَّنِي مَقَامَكَ وَ شَوَّقَنِي لِقَاءَكَ» (همان، دعای ۴۷) شناخت این حقایق که سعادت و شقاوت انسان در دنیا و آخرت به دست خداوند است، دو حالت روانی و نفسانی "خوف" و "رجا" را در انسان برمی‌انگیزد. پیامد خوف، تأسّف و پشیمانی از عمری است که با گناه سپری و تباه شده است. در مقابل، امید انسان به خداوند متعال انسان را مستعدّ دریافت رحمت الهی می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

۱. توبه که در قرآن و کلام امام سجّاد^۷ به آن تأکید فراوان شده است، نیاز به عوامل معرفتی دارد که تا آن معارف برای انسان حاصل نشود توفیق بر امر توبه نیز پدید نخواهد آمد.

۲. توبه یکی از اصیل‌ترین مفاهیم دینی بوده که فقط در بستر اندیشه دینی می‌روید و خداوند طرح و نقشه آن را در قرآن و به زبان رسولان و امامان^۷ بازگو کرده، و سالک این مسلک را هدایت نموده است.

۳. بزرگان دین ما از دو شیوه برای توبه از گناه سخن گفته‌اند؛ اول از طریق تأمل در آسیبی که گناه به آدمی وارد می‌کند و دوم از طریق خجالتی که آدمیان در برابر پروردگار می‌برند؛ بسته به این که کدام طریق برای افراد مهم‌تر باشد و از کدام مسیر استدلال موثر واقع شود.

۴. خوف بنده از خداوند حالتی است محمود و پسندیده؛ که اگر این عنصر در بنده توبه کننده نباشد عبودیتش دچار نقصان است. نگرانی از عذاب، درجه‌ای از درجات خوف است، لکن درک قدرت و احاطه خداوند بر همه هستی و بر سرنوشت انسان نیز آدمی را دچار هیبت و ترسی می‌کند که با خوف از عذاب فرق دارد.

۵. در زمینه توبه که همان اقرار به گناه است، در فرهنگ دینی ما، امامان معصوم: بخصوص امام سجّاد^۷ از خداوند می‌خواهد که به او «استقلال خیر و استکثار شر» بدهد، یعنی بدی‌ها را در چشم او فراوان و نیکی‌ها را اندک جلوه دهد.

۶. ما مسلمانان باید با تاسی به قرآن و کلام امام سجّاد^۷ و بازگشت حقیقی به دو ثقل گرانبها، معنا و روش صحیح توبه را از نوع گفتار قرآن و رفتار امام سجّاد^۷ بیاموزیم و با خدای خود چنان سخن بگوییم که گویی با حالتی میان خوف و رجا، امید مغفرت و بخشش داریم.

منابع

قرآن کریم

- نُجُجُ البلاغة، شریف الرضی، محمد بن حسین، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- الصحيفة السجّادية، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق) / ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
 ۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القدیة)، تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ق.
 ۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق.
 ۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴، ۱۴۱۶ ه.ق.
 ۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم؛ تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
 ۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دمشق، چاپ: اول، ۱۴۱۲ق.
۹. شعرانی، میرزا ابوالحسن، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجّادیّه، تهران، اسلامیّه، چاپ اول، ۱۳۴۶ ش.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۱. فهری، سیّد احمد، شرح و ترجمه صحیفه سجّادیّه، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، اسوه، چاپ: دوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. فیض کاشانی، مولی محسن، المحجة البيضاء فی تہذیب الاحیاء، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۳۴۲.
۱۳. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیّد الساجدین - ایران؛ قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی تهران، اسلامیّه، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. کوفی اہوازی، حسین بن سعید، الزہد، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی، سجّادہای سلوک، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم ۱۳۹۱.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.